

جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن در دانشگاه (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران)

محمد امین قانع^۱ راد

آذر رشتیانی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۳/۳۰

افراد تحت تاثیر نوع جامعه پذیری که در آنها شکل گرفته اند، کنش ها و رفتارهای متفاوتی از خود نشان می دهند و نوع جامعه پذیری آنها بر سبک زندگی و ابعاد متفاوت زندگی آنها تاثیر می گذارد. از جمله بنیادی ترین جنبه سبک زندگی نوع مدیریت بدن است که دانشجوی پس از این که در روند و فرآیند جامعه پذیری علمی قرار گرفت به طور آگاهانه یا ناآگاهانه تغییراتی را در این جنبه از زندگی خود لحاظ می کند. پژوهش حاضر که به روش توصیفی از نوع پیمایشی صورت گرفته است، به بررسی تاثیر جامعه پذیری علمی بر مدیریت بدن می پردازد. در بخش مبانی نظری، نظریه های مرتبط ارائه و پس از چارچوب نظری، مدل تحلیلی طراحی گردیده است. جامعه و نمونه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران در چهار گروه آموزشی علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و علوم پزشکی تشکیل داده اند که ۳۵۶ نفر بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران به عنوان نمونه آماری تعیین شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته بوده که پس از تأیید سوالات پرسشنامه توسط متخصصان و با استفاده از آزمون کرونباخ که بالای ۰/۷ به دست آمد، پرسشنامه در بین پاسخگویان توزیع گردید. بعد از تکمیل، پرسشنامه ها با استفاده از نرم افزار SPSS17 و ضرایب آماری متناسب با نوع متغیرها محاسبه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج آزمون فرضیه ها بیانگر این است که جامعه پذیری علمی بر توجه

^۱. دانشیار، گروه جامعه شناسی، مرکز تحقیقات سیاست های علمی کشور

^۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

به رژیم غذایی، توجه به سلامتی، سبک پوشش و توجه به خودآرایی اثر معنادار و مستقیمی دارد، بر گرایش به ورزش و همچنین انجام جراحی زیبایی دانشجویان اثر معناداری نداشته است.

واژگان کلیدی: جامعه پذیری علمی، مدیریت بدن، تعاملات و ارتباطات و سلامتی

مقدمه و بیان مساله

دانشگاه به عنوان یکی از متولیان جامعه پذیری علمی، رسالت تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر و توسعه علم و پژوهش را بر عهده دارد. بنابراین، جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای علمی را می‌توان از جمله مهم‌ترین کارکردهای دانشگاه به شمار آورد. افرادی که وارد دانشگاه می‌شوند، مجموعه‌ای از ارزش‌های متناسب با ویژگی‌های فردی و خانواده خود و نیز فرهنگ عمومی را به همراه دارند. از سوی دیگر، دانشجو در دانشگاه در درون خرده فرهنگ خاص علمی قرار می‌گیرد که از بدو ورود تا اتمام دوره زندگی دانشجویی خود در این نهاد به یادگیری و فراگیری ارزش‌ها و هنجارها می‌پردازد. بنابراین اگر این نهاد بتواند ارزش‌ها و هنجارهای خود را به طور موفقیت‌آمیز درونی کند، فرد قادر خواهد شد که آموخته خود را در نوع مهارت و به کارگیری آن عملی سازد. در محیط دانشگاه، جامعه‌پذیری به دو صورت حضور در کلاس و غیر رسمی که توسط نهادهای مسئول و نیز ارتباطات و تعاملات دانشجو با دانشجویان دیگر و دانشجو با استادان صورت می‌گیرد.

نتایج پاره‌ای از تحقیقات نشان می‌دهد که در جامعه دانشگاهی جامعه‌پذیری علمی به طور صحیح صورت نگرفته است و این امر بر اولویت‌ها و سبک زندگی دانشجویان تاثیر زیادی داشته است. بر پایه پژوهش‌های مرتبط، حدود ۸۲ درصد از دانشجویان دکتری مورد مطالعه، میزان عینیت مسائل و چالش‌های ۲۶ گانه مورد مطالعه در محیط علمی و آموزشی خود را در حد متوسط به بالا ارزیابی کرده‌اند. این موضوع نشان دهنده آن است که به رغم بسیاری از توفیق‌ها و موفقیت‌ها، نظام آموزش عالی ایران با مسائل و چالش‌های اساسی روبه‌روست و این مسائل، تأثیر زیادی بر عملکرد و اثر بخشی مجموعه دانشگاه و دانشگاهیان دارد- ضعف محیط علمی در درونی کردن هنجارهای دانشگاهی در دانشجویان، دارای هفتمین رتبه در بین مسائل ۲۶ گانه است. یافته‌های تحقیقات قاضی طباطبایی و مرجانی و دادهیر و فاضلی نشان می‌دهند که در مورد کارایی فضای دانشگاهی ایران در ایجاد و پرورش هنجار دانشگاهی، ضعف آن و تبلور عینیت ضعیف آن در رفتار و گفتار دانشگاهیان وجود دارد (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۸۹). قانعی‌راد در پژوهشی تاثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان را بررسی کرده آن نشان داده است که میزان تعامل دانشجویان با میزان یادگیری تعاملی و احساس خوداثربخشی آنها ارتباط دارد (قانعی راد، ۱۳۸۹). ناتوانی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی علمی کشور در اجتماعی کردن و انتقال ارزش

ها و هنجارهای خویش به دانشجویان و اساتید و پژوهشگران را می توان ناشی از فقر فضای ارتباطی در این محیط های علمی است. (قانعی راد و قاضی پور، ۱۳۸۱).

فرآیند جامعه پذیری دانشجویانی که در این فضا پرورش می یابند، تحت تاثیر چنین محیط علمی قرار می گیرد و آنها بر این اساس، بدن خود را مدیریت می کنند. می توان ادعا کرد که این تاثیر گذاری در زمان ها و محیط های مختلف متفاوت بوده است. «که بدن ها از طریق ساختارهای اجتماعی و در طی فرآیند جامعه پذیری شکل می گیرند؛ به عبارت دیگر، جامعه پذیری فرآیندی اساسی است که به کودکان یاد می دهد چگونه فردی پذیرفتن برای اجتماع خود باشند و همان طور که والدین چگونگی استفاده از قاشق و چنگال را به کودکان یاد می دهند، ساختارهای اجتماعی نیز در قالب نهادهایی چون: خانواده، آموزش و پرورش، محل کار و رسانه های جمعی به شیوه های خاصی، بدن را در زمان ها و مکان های مختلف تولید می کنند» (Elliot, 2010: 105). مطالعه کارن و جری^۱ (۲۰۰۸) نشان می دهد زنانی که ظاهر خود را بیشتر مورد ارزیابی قرار می دهند، عزت نفس کمتری دارند و بیشتر تحت تاثیر فشارهای لاغری هستند. نتایج پژوهش آنها گویای این بود که زنان با سرمایه گذاری بالا بر تصویر بدن، به تصاویر لاغر شده از رسانه ها بیشتر توجه دارند و به آنها پاسخ می دهند. همچنین مطالعه تیلکا^۲ (۲۰۱۱) حاکی از آن است که نارضایتی عضلانی و نارضایتی از وزن بدن، دو مولفه ای هستند که مردان را به رفتارهای مدیریت بدن ترغیب می کنند.

در عصر کنونی، زندگی روزمره به موضوع انتخاب شخصی تبدیل شده است؛ بدین معنا که مردم می توانند کاری را انجام دهند که می خواهند و می توانند چیزی بشوند که خود خواستار آن هستند - رویه ای که حاکی از فردی شدن است. امروزه، مردم به طور فزاینده ای بر مبنای علایق و منافع فردی دست به کنش می زنند (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۱۰) و بدن نیز در این جریان فردی شدن، اختصاصی تر می شود و هرکس سعی می کند بدن خویش را مدیریت کند. جذابیت جسمانی از جمله موضوعاتی است که در دوران مدرن، استانداردهای جدیدی پیدا کرده و از عوامل شکل دهنده روابط افراد محسوب می شود؛ به طوری که «مدیریت بدن در دوران مدرن اهمیت بیشتری پیدا کرده است و رفتارهای گوناگون بهداشتی نظیر بدن سازی، رژیم های غذایی، تجهیزات ورزشی و آرایشی مختلف برای مراقبت از بدن پدیدار شده است».

^۱ Karen and Jarry

^۲ tylka

(فاضلی ۱۳۸۲: ۱۴۹ و ۱۵۰) به نظر می‌رسد همراه با تحولات جهانی شدن، بیش از حد به مسئله بدن توجه شده است که پاره‌ای از عوامل آن به قرار زیرند: سیاسی کردن بدن توسط فمینیست‌ها، عوامل جمعیت‌شناختی، رشد فرهنگ مصرفی، پیدایش تکنولوژی‌های جدید و حرکت به سوی مدرنیته (اباذری و حمیدی ۱۳۸۷: ۱۳۱ و ۱۳۲).

در چند دهه اخیر، در ایران نیز تناسب اندام به عنوان معیار زیبایی اندام مورد توجه قرار گرفته است و اقدام برای رعایت رژیم غذایی لاغری جهت دستیابی به تناسب اندام به دغدغه افراد زیادی تبدیل شده است. دختران و پسران جوان در طلب رسیدن به وزن ایده‌آل، خود را در معرض رژیم‌های سخت غذایی قرار می‌دهند و در واقع خود را در حساس‌ترین شرایط رشد بدنی از شرایط تغذیه سالم و متعادل محروم می‌سازند (احمدنیا، ۱۳۸۵: ۲۵). هرچند که به عنوان مثال، توجه به زیبایی به عنوان یکی از شاخص‌های مدیریت بدن با توجه به آمار جهانی قابل ملاحظه است:

تحلیل گران موسسه «گلدمن ساچس»^۱ برآورد کرده‌اند که صنعت زیبایی در جهان، سالانه هفت درصد رشد داشته است، یعنی بیش از دو برابر نرخ تولید ناخالص داخلی^۲ کشورهای توسعه یافته. در میان این صنایع، محصولات و خدمات ویژه مراقبت از مو، ۳۸ میلیارد دلار؛ محصولات و خدمات ویژه پوست، ۲۴ میلیارد دلار؛ لوازم آرایش، ۱۸ میلیارد دلار و عطر، ۱۵ میلیارد دلار را در سال ۲۰۰۳ به خود اختصاص داده است. این رشد، ناشی از افزایش درآمد شهروندان غربی و رشد طبقات متوسط در کشورهای در حال توسعه است (شهابی، ۱۳۸۹). در ایران نیز از سال ۱۳۸۴ تاکنون علی‌رغم اجرای طرح‌هایی همچون طرح ارتقای امنیت اجتماعی بویژه در خصوص مبارزه با بدحجابی و بدپوششی در شهرهای بزرگ کشور، تغییری ایجاد نشده است. براساس آمار موجود، بازار محصولات و خدمات ظاهرآرایی نیز از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ روند رو به رشدی را نشان می‌دهد. (شهابی: ۱۳۸۹، ۶۹).

طبق آمار و ارقام، هر ساله هزاران نفر وارد دانشگاه‌های مختلف کشور می‌شوند و مدیریت جامعه در طی سالیان دانشجویی، سرمایه‌گذاری زیادی برای آنها می‌کند تا به اهداف خود در انتقال ارزش‌ها و هنجارها دست یابد که البته بسیاری از ارزش‌ها و هنجارها نیز ناخواسته به دانشجوی منتقل می‌شوند که کارکرد پنهان

^۱ Goldman Sachs

^۲ GDP

دانشگاه می‌باشد. پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند که نظام در عمل برای جامعه پذیر کردن اعضای خود نتوانسته موفق باشد، زیرا اثرات آن برجسته‌های مختلف سبک زندگی - و مدیریت بدن به عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی - دانشجویان این ضعف را نشان می‌دهد؛ به طوری که دانشجویان بعد از ورود به دانشگاه، تحت تاثیر محیط قرار می‌گیرند و به گونه‌ای متفاوت، هنجارها و ضد هنجارها را برای خود درونی می‌کنند و با انتخاب الگوی خاصی برای رژیم غذایی، نحوه پوشش، ورزش، آرایش و انجام جراحی‌های زیبایی تاثیر پذیری خود را اعلام می‌دارند. این‌جا این سوال مطرح می‌شود که آیا ارزش‌ها و هنجارهای علمی به دانشجویان انتقال یافته است؟ و در صورت انتقال آیا دانشجویان توانسته‌اند الگوی صحیحی از مدیریت بدن را برای خود انتخاب کنند؟ این انتقال در مدیریت بدن دانشجویان چگونه نمود پیدا می‌کند؟ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر جامعه پذیری علمی بر مدیریت بدن دانشجویان صورت گرفته است.

مبانی و چارچوب نظری تحقیق

هر یک از تئوری‌های مطرح شده درباره جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن، به تنهایی نمی‌توانند پاسخگوی سوالات پژوهش حاضر باشند و تنها یک بعد قضیه را می‌سنجند. بنابراین، در ابتدا خلاصه‌ای از نظریه‌های مرتبط مطرح و سپس چارچوب نظری ارائه می‌شود.

الف) نظریه‌های حوزه جامعه پذیری علمی

فرآیندهای جامعه پذیری، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را به تازه واردان منتقل می‌کنند. جامعه پذیری علم‌یافته فرآیندی است که طی آن افراد دانش‌ها، بینش‌ها، باورها، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگی خاص محیط علمی را طی کنش و واکنش‌هایی با نهادهای رسمی و غیر رسمی کسب جزو شخصیت خود می‌کنند. در نتیجه می‌توانند کما بیش به عنوان افرادی موثر در جامعه خویش ایفای نقش کنند، (ویدمن، ۲۰۰۸). در رابطه دانشجویان با محتوا از طریق تعامل با کارگزاران جامعه پذیری، افرادی پرورش می‌یابند که نسبت به ارزش‌ها، نظریات و فنون ویژه علم مقید است. بدین ترتیب در دنیای دانش، جامعه و فرهنگ یا اجتماع علمی و الگوهای شناختی از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. فرآیندهای جامعه پذیری پیوستگی بین تعاملات اجتماعی و تکوین یا انتقال محتوای شناختی را برقرار می‌کنند. (قانع‌ی راد و حسین ابراهیم آبادی، ۱۳۸۹)

رزنیک برای معیارها و اصول اخلاقی علم، دوازده اصل را توضیح می دهد که در صورت رعایت آنان از سوی فرد دانش پذیر می توان ادعا کرد که وی در جریان فرآیند جامعه پذیری علمی تا حد زیادی موفق به کسب هنجارها و ارزش‌هایی علمی شده است: درستکاری، دقت، آزادی، بلندنظری، اعتبار، تعلیم، مسئولیت پذیری اجتماعی، قانون مداری، فرصت، احترام متقابل، کارایی، احترام و رعایت حقوق آزمودنی ها (Resnik DB (1998). به نقل از ودادهیر، ۱۳۸۷). از نظر بورویو، ارزش علم و اهمیت کنش علمی از طریق فرآیند جامعه پذیری به فرد انتقال می یابد و به گونه ای، فعالیت علمی را « کنش متقابل » خوانده است. هاگستروم معتقد است جامعه پذیری در علم نقش زیادی دارد و به پرورش افراد متعهد به ارزش های اساسی علم می انجامد. دانشمندان بدون ارتباط با همکاران خود، یعنی بدون کنترل اجتماعی، ممکن است در مقابل اهداف و معیارهای غیر دانشمندان تسلیم شوند. آموزش علمی، دانشمندانی متعهد را پرورش می دهد و آنها را به فنون و نظریات خاصی مقید می کند. جامعه پذیری دانشمندان با عمل مبادله ای آنان تقویت و تکمیل می گردد. در این فرایند، دانشمندان اطلاعات را به صورت مقالات و ایده های خود به اجتماع علمی عرضه می کنند و در عوض مورد شناسایی قرار می گیرند. (قانعی راد، ۱۳۸۵: ۲۶).

ب) نظریه هایی در حوزه جامعه شناسی بدن به ویژه مدیریت بدن

هر نوع نظارت و دستکاری مستمر در ویژگی های ظاهری و آشکار بدن که در قالب رویه های آرایشی و اعمال جراحی انجام می پذیرد، مدیریت بدن گفته می شود (حسن چاوشیان، ۱۳۸۷). بدن یک عنصر از فرهنگی است که جنبه درونی و خودمانی پیدا کرده است. در اندیشه انسانی در رویکرد دینی در غالب ادیان و دستورات وحی الهی بدن به عنوان یک جسم کالبدی و مادی در نظر گرفته شده است. در رویکرد فلسفی، بدن را باید در تقابل دوئالیسم دکارتی بنام ذهن و بدن مورد تأمل قرار داد. در رویکرد روانشناختی باید به معیارهای عقلی و ذهن فردی در بدن توجه کرد. در رویکرد فمینیستی به تقابل میان بدن مردانه و زنانه توجه شده است. فمینیست های نسل اول در قالب مباحث پدر سالاری به بدن زن اشاره می کنند. نسل دوم این دیدگاه، رویکرد جدیدی نسبت به بدن زن نداشته اند. نسل سوم فمینیست ها که از دیدگاه پست مدرن بدن زن را به عنوان امری ثابت غیر تاریخی تحت جنبه زیستی دو جنس بررسی کرده اند (Fedtherston: 1991, 172). در واقع امروزه، خرید کالا مصرفی نشانگر هویت فردی و اجتماعی است افراد برای اثبات اینکه به طبقه ای خاص تعلق دارند تحت عنوان مد از پوشش، آرایش، شکل دادن و آرایش، بدن خود را تنظیم می کنند. امروزه در رسانه های جمعی از زنان و مردانی استفاده می شود که

بدن‌های خاص دارند، مردان بلند تر، ورزیده تر و عضلانی تر هستند؛ جوانانی که زیبایی و نشاط خود را مدیون مصرف کالاهای بهداشتی و پزشکی معرفی می‌کنند. زنانی که کالاهای تجاری را تبلیغ می‌کنند، اغلب لاغر اندام، ظریف با پوست‌های شاداب هستند که به عنوان افرادی شاد و موفق شناسانده می‌شوند. در واقع، تبلیغات در جامعه مصرفی از طریق ارائه ابزارهای گوناگون چون وسایل آرایش جراحی‌های زیبایی، کلاس‌های ورزشی و زیبایی اندام، وسایل لاغری و... بیانگر خدماتی هستند که در اختیار کسانی قرار می‌گیرند که بخواهند بدنی زیبا داشته باشند.

ترنر بیان می‌کند که اولاً بدن مجموعه‌ای از اعمال اجتماعی است؛ ثانیاً، بدن به عنوان نظامی از نشانه‌ها مفهوم پردازی شده است که به عنوان حامل معانی و نمادهای اجتماعی تلقی می‌شود (Turner, 1996:26).

از نظر بوردیو، بدن به عنوان شکل جامعی از سرمایه فیزیکی، در بردارنده منزلت اجتماعی و اشکال نمادین متمایز است. تبدیل سرمایه فیزیکی در واقع به معنای ترجمه و تفسیر حضور بدنی بر حسب اشکال گوناگون سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در میدان کار، فراغت و... می‌باشد (Shilling, 1993:127) بوردیو، با استفاده از مفهوم «سرمایه فیزیکی» ارتباط ویژگی‌های جسمانی را با دیگر صورت‌های سرمایه تشریح می‌کند. تولید «سرمایه فیزیکی» در گرو توسعه بدن است که طی آن، بدن حامل ارزش در زمینه‌های اجتماعی می‌شود (Shilling, 2007, 128). بدن یک «ماهیت ناتمام» حامل «ارزش‌های نمادین» است و گسترش آن برای نگهداشت نابرابری‌های اجتماعی ضروری می‌باشد. (ibid. 127) بوردیو با در نظر گرفتن بدن به عنوان یک سرمایه فیزیکی، هویت‌های افراد را با ارزش‌های اجتماعی منطبق با اندازه، شکل و ظاهر بدنی مرتبط می‌سازد (Ibid: 14). بوردیو هدف مدیریت بدن را اکتساب منزلت تمایز و پایگاه و بدن را حامل نمادین هنجارهای اجتماعی می‌داند. گیدنز معتقد است که کاهش وابستگی جامعه به مذهب و افزایش وابستگی آن به علم، سبب دستکاری فیزیولوژی بدن شده است. هم‌زمان با سست شدن مبانی دینی و هویت اجتماعی، بدن، جایگاه و اهمیت بیشتری در هویت‌سازی افراد پیدا می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۵)

رویکرد پساساختارگرایانه، بدن را به عنوان زبان و یک عامل اساسی تلقی می‌کند. از منظر جامعه‌شناسانه قدر مسلم آن است که نوع کنترل و نظارتی که بر بدن اعمال می‌شود، نظمی را دنبال می‌کند که جامعه

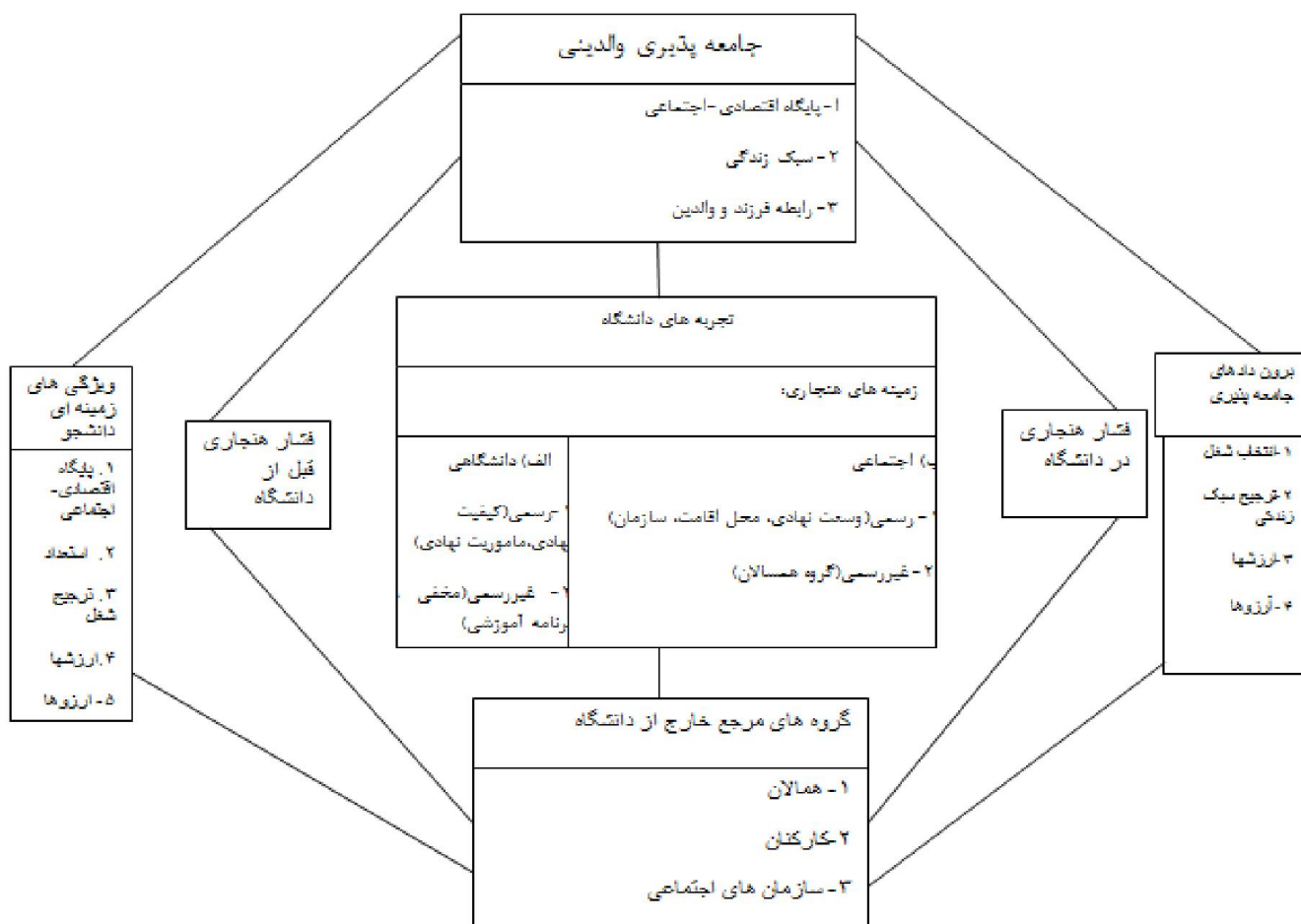
در پی آن است. در اندیشه فوکو، بدن به ذات خود می تواند دارای تاریخ باشد. وی بر این عقیده است که بدن را به مثابه محصولی اجتماعی و تاریخی باید دانست. فوکو در بحث تبار شناسی خود تحت تأثیر اندیشه نیچه قرار داشته و در این نظام، بدن و نیروهای آن و نیز فایده مندی و مطیع بودن آن را هدف اصلی دانسته است (اسمارت ۱۳۸۶: ۶۵). از جنبه دیگر، بیشتر آثار فوکو جنبه تحلیلی و تاریخی دارد. فوکو پذیرفته که انسان به صورت یک زندان به کنترل بدن خود می پردازد. در اندیشه داگلاس، بدن یک روایت اجتماعی به خود می گیرد. وی بر این عقیده است که بدن و تصور اجتماعی با تأثیر از دیگران شکل می گیرد. از سوی دیگر، بدن به مثابه پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی، در جامعه ای که فرد در آن رشد می کند از همان دوران کودکی شکل می گیرد. اجتماعی شدن در جامعه، یادگیری فرهنگ یک جامعه را به ما می آموزد که طی آن اعضای مختلف بدن دارای ارزش های یکسان و مساوی نمی باشد، در واقع از بُعد اندیشه دورکیمی باید بدن را یک واقعیت اجتماعی در زندگی روزمره تلقی نمود. پوشاک و وسایل زینتی برای بدن انسان، ابزاری برای تعامل و ارتباط متقابل و انتقال اطلاعات به دیگران تلقی می گردد. در واقع در عصر حاضر، تغییرات بدنی ناشی از گسترش فرهنگ زیبایی است که تحت تأثیر دنیای مدرنیته قرار گرفته است.

به اعتقاد گیدنز، امروزه بدن و خود، در قلمرو بازتولید به یکدیگر پیوند خورده اند و باز تولید هم برای تداوم اجتماعی و هم برای زیست شناسی گونه ها به کار می رود؛ به طوری که امکانات تصمیم گیری در زمینه تکنولوژی های باروری و تولید مثل یا گزینه هایی که احتمالاً به زودی پدید خواهد آمد، نمونه شاخصی از امکانات و مسائل مرتبط با سیاست زندگی به دست می دهد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۰۸). اروینگ گافمن، خود اجتماعی یا همان هویت اجتماعی در زندگی روزمره و در مفهوم مدیریت تأثیرگذاری بر اجرای نقش و نظارت بر بدن اشاره می کند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۹۶). برایان ترنر، با توجه به ویژگی های جامعه مدرن و روبه توسعه به سمت حوزه جامعه شناسی بدن گرایش پیدا کرده و معتقد است که چنین تفاوتی در بینش و رفتار انسانی در جهت دادن به اندیشه های اندیشمندان علوم اجتماعی باعث شده که بدن را به مثابه امری اجتماعی و فرهنگی در زندگی روزمره در نظر باید گرفت (Turner, 1996: 26). تبیین تئوریک هر پدیده اجتماعی نیازمند دستیابی به یک چارچوب نظری مناسب است. بنابراین برای تهیه چارچوب نظری پژوهش، باید به دنبال نظریه ای جامع ترگشت که ابعاد دوحوزه جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن را تبیین نماید. با توجه به مطالعات و بررسی های صورت گرفته، تنها ویدمن - برطبق آثار و مدل نظری وی -

به رابطه جامعه پذیری علمی و سبک زندگی که یکی از شاخص های آن مدیریت بدن می باشد، پرداخته است.

طبق دیدگاه ویدمن، جامعه پذیری فرآیندی ناآگاهانه در نظر گرفته می شود که به وسیله آن اشخاص استانداردها و هنجارهای رفتاری را درونی می کنند و به احساس هویت و تعهد برای رشته حرفه ای شکل می دهند. بنابراین با تلفیق این نظریات به ویژه مدل ویدمن می توان گفت که آنچه از فرآیند جامعه پذیری علمی حاصل می شود در زندگی دانشجویان تاثیرگذار است و نقش مهمی در نهادینه شدن رفتارها و ارزش های دانشگاه به عنوان عالی ترین سمبل علمی هر کشور ایفا می کند. سبک زندگی - و مدیریت بدن به عنوان یکی از شاخص های آن - دانشجویان پس از ورود به دانشگاه معمولاً با تغییراتی همراه است که با توجه به مباحث یاد شده و مدل نظری ویدمن الگو قرار گرفته است:

مدل مفهوم سازی جامعه پذیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی. (Weidman. J. c, Twale. D. J, Stein. E. L, 2001)



در شکل ویدمن، کانون تمرکز بر روی یکی از متغیرهای برون داد است. متغیر سبک زندگی (سمت راست شکل) خود دارای مولفه هایی است که از جمله مهمترین آن می توان به مدیریت بدن اشاره کرد. بنابراین، این عامل نیز محصول جامعه پذیری است و درون گروه آموزشی (مربع مرکزی در مدل ویدمن) و فرآیند جامعه پذیری در تجربه های دانشگاهی به دو صورت در دانشگاه و در اجتماع شکل گیرد- که در هر دوی آنها به صورت رسمی و غیر رسمی است.

در این مدل، ویژگی زمینه ای دانشجو شامل پایگاه اقتصادی- اجتماعی، استعداد، ترجیح شغلی، آرزوها و ارزش ها می باشد. علاوه بر عوامل زمینه ای، عواملی که در شکل گیری جامعه پذیری موثرند در گروه های مختلفی طبقه بندی شده اند؛ از جمله: جامعه پذیری والدینی که از طریق سه شاخص ۱- پایگاه اقتصادی- اجتماعی ۲- سبک زندگی ۳- رابطه فرزند و والدین صورت می پذیرد. گروه های مرجع خارج از دانشگاه که شامل ۱- همسالان ۲- همکاران ۳- سازمان های اجتماعی می شود. دانشجو با داشتن ویژگی هایی اکتسابی یا انتسابی که به طور آگاهانه یا ناآگاهانه از این عوامل کسب کرده، در محیط علمی قرار می گیرد و در این محیط نیز با توجه به مهمترین ویژگی آن یعنی یادگیری، متأثر می شود. تجربه های دانشگاهی فرد در قالب زمینه های هنجاری به دو بخش تقسیم شده است:

الف) دانشگاهی ۱- رسمی (کیفیت نهادی، مأموریت نهادی) ۲- غیررسمی (مخفی، برنامه آموزشی)

ب) اجتماعی ۱- رسمی (وسعت نهادی، محل اقامت، سازمان) ۲- غیررسمی (گروه همسالان).

از زمان ورود به دانشگاه طی فرآیندی موسوم به جامعه پذیری علمی، تغییراتی در فرد دانشجو ایجاد می شود، که منتج به یک خروجی می شود و بر طبق مدل ویدمن می توان آن را در قالب برون داد های جامعه پذیری در چهار گروه قرار داد: ۱- انتخاب شغل ۲- اولویت سبک زندگی ۳- آرزوها ۴- ارزش ها.

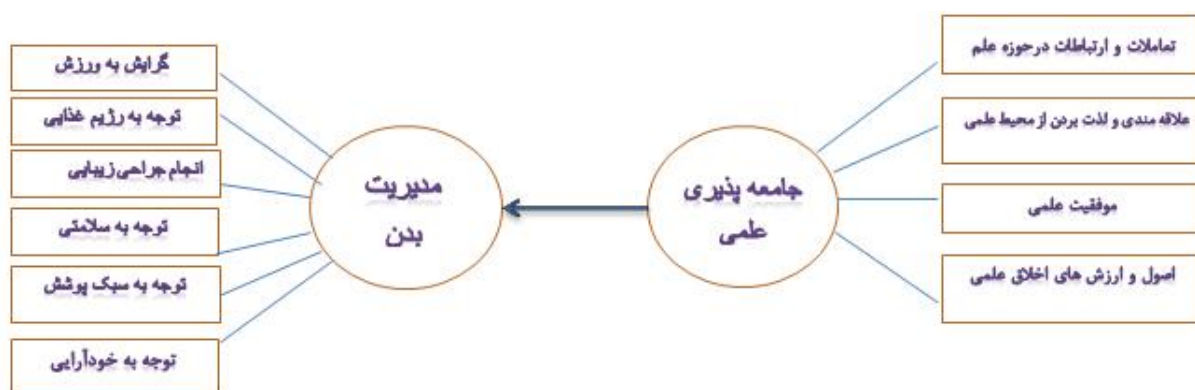
همان طور که در این مدل نشان داده شد، یکی از برون دادهای جامعه پذیری علمی سبک زندگی است که جامعه پذیری علمی بر سبک زندگی تاثیر می گذارد و از جمله مولفه های مهم سبک زندگی می توان به مدیریت بدن اشاره کرد. بنابراین فردی که وارد این فرآیند می شود، خودآگاه یا ناخودآگاه تاثیراتی از این فضای علمی می گیرد که از جمله تاثیر اولیه آن توجه به مدیریت بدن است؛ به طوری که دانشجو برای فردیت خود ارزش خاصی قایل می شود و برای آن هزینه می کند، چرا که طی فرآیند جامعه پذیری در دانشگاه افراد به طور مستقیم و غیر مستقیم یاد می گیرند که به ارزش بدن به عنوان عنصر پایه ای برای

رشد بیشتر، به طور آگاهانه توجه ویژه‌ای نشان دهند. آنها می‌کنند با توجه و صرف هزینه‌های بیشتر برای رژیم غذایی، ورزش، نوع پوشش و سلامتی خود، بدنشان را به عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی در چارچوب رضایت از زیبایی و سلامت، مدیریت می‌کنند.

مدل تحلیلی پژوهش

بر مبنای چارچوب نظری که ارائه شد، مدل تحلیلی مقاله حاضر چنین ترسیم شده است.

همانطور که در مدل زیر نمایان است، دو متغیر اصلی جامعه‌پذیری علمی و مدیریت بدن با شاخص‌هایی تعریف شده‌اند. همچنین و متغیر جامعه‌پذیری علمی به عنوان متغیر مستقل و مدیریت بدن به عنوان متغیر وابسته مورد سنجش قرار گرفته است.



بدین ترتیب، مهمترین فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

۱. جامعه‌پذیری علمی دانشجویان بر توجه به سبک پوشش آنها اثر معناداری دارد.
۲. جامعه‌پذیری علمی دانشجویان بر گرایش به ورزش آنها اثر معناداری دارد.
۳. جامعه‌پذیری علمی دانشجویان بر توجه به رژیم غذایی آنها اثر معناداری دارد.
۴. جامعه‌پذیری علمی دانشجویان بر توجه به سلامتی آنها اثر معناداری دارد.
۵. جامعه‌پذیری علمی دانشجویان بر توجه به خودآرایی آنها اثر معناداری دارد.
۶. جامعه‌پذیری علمی دانشجویان بر گرایش به انجام جراحی زیبایی آنها اثر منفی معنادار دارد.
۷. جامعه‌پذیری علمی دانشجویان بر مدیریت بدن آنها اثر معنادار دارد.

روش‌شناسی پژوهش

مهمترین مفاهیم مطرح در این پژوهش، دو مفهوم جامعه‌پذیری علمی و مدیریت بدن است که به تعریف عملیاتی این دو مفهوم می‌پردازیم:

جامعه‌پذیری علمی

در این پژوهش به منظور رسیدن به تحلیل جامعی از جامعه‌پذیری علمی، از ۴ متغیر استفاده شده که به یک شاخص تجمعی تبدیل گردیده است:

۱- تعاملات و ارتباطات در حوزه علم که در سه سطح با الف: با دانشجویان، ب: با اساتید و ج: با دانشکده سنجیده می‌شود.

۲- موفقیت علمی که با سه متغیر نوآوری و تولید علمی، خود اثربخشی و پویایی علمی سنجیده می‌شود.

۳- ارزش‌های و اصول اخلاق علمی (۱۲ اصل رزنیک).

۴- علاقه مندی و لذت بردن از محیط علمی.

مدیریت بدن

در این پژوهش به منظور رسیدن به تحلیل جامعی از مدیریت بدن، از ۶ متغیر استفاده شده که به یک شاخص تجمعی تبدیل گردیده است: ۱- توجه به سلامتی؛ ۲- توجه به رژیم غذایی؛ ۳- گرایش به ورزش؛ ۴- مراقبت بهداشتی و آرایشی؛ ۵- سبک پوشش؛ ۶- انجام جراحی زیبایی.

با توجه به موضوع پژوهش و ویژگی‌ها و پیچیدگی مربوط به آن، جامعه‌پذیری امری است پویا و متاثر از شرایط و عناصر گوناگون اجتماعی که به همراه تغییر و تحولات در رویکرد و نگرش فردی حاصل می‌گردد و در زمان و مکان‌های متفاوت، متغیر است، انتخاب دانشجویان تحصیلات تکمیلی در این پژوهش به این دلیل است که جامعه‌پذیری علمی اگر چه فرآیندی است که با ورود به دانشگاه آغاز می‌شود و دوره‌کاردانی و کارشناسی از مراحل اولیه آن است اما دوره تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) را می‌توان مراحل کامل‌تری از جامعه‌پذیری علمی دانست که از بالندگی بیشتری برخوردار است. توضیح بیشتر آن که با تحصیل در دوره تحصیلات تکمیلی، ویژگی رفتاری و علمی دانشجویان از

پختگی بیشتری برخوردار می‌گردد و از احساسات و هیجانات زود گذر و هیجانی فاصله بیشتری می‌گیرد. جامعه مورد بررسی این پژوهش دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران می‌باشند.

روش انجام این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی ساده می‌باشد؛ به این صورت که آزمودنی‌ها از میان چهار گروه آموزشی دانشگاه تهران، علوم انسانی و هنر، علوم پزشکی، فنی و مهندسی، علوم پایه تعیین و بر اساس نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و از میان دانشکده‌های مرتبط با هر کدام از گروه‌های آموزشی - برای مثال، علوم پزشکی (دانشکده‌های بهداشت، پزشکی و پرستاری و مامایی)، گروه آموزشی علوم انسانی (دانشکده‌های ادبیات، زبان‌های خارجه و حقوق)، علوم پایه (دانشکده‌های شیمی، زیست‌شناسی و دانشکده ریاضی، آمار و علوم کامپیوتر) و گروه آموزشی فنی و مهندسی (دانشکده‌های مهندسی برق و کامپیوتر، مهندسی معدن و مهندسی صنایع) - بر اساس نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌ها در میان دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری به تناسب تعداد و متغیرجنسیت (زن و مرد) توزیع گردید. با استفاده از فرمول کوکران حجم کل نمونه آماری برابر ۳۵۶ می‌باشد.

در این پژوهش از روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات و مباحث نظری و پژوهش‌های قبلی انجام شده در این زمینه علاوه بر کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و نشریات منتشر شده در این باب از اینترنت جهت جستجوی منابع مرتبط با این پژوهش به شیوه فیش برداری و تحلیل محتوا استفاده شده است.

از آنجا که موضوع مورد بررسی، دارای ابعاد پیچیده‌ای بود و استفاده صرف از تکنیک‌های پرسشنامه و فیش برداری با احتمال خطای بیشتری روبه‌رو بود، از شیوه مصاحبه نیز به منظور مشاهده حالت‌های گوناگون پاسخگویان در حین پاسخ به سوالات و بررسی این پاسخ‌ها و آگاهی به نقطه نظرات اساتید و دانشجویان آنها استفاده گردید. در روش اسنادی از تکنیک فیش برداری و تحلیل محتوا و در روش پیمایش از تکنیک پرسشنامه استفاده شد. در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته مورد نقد و بررسی متخصصان و اساتید قرار گرفت و پس از اعمال نظرات کارشناسان آنها، ابتدا ۳۰ پرسشنامه میان افراد جامعه مورد نظر برای سنجش میزان آلفای کرونباخ پخش شد و پس از محاسبه میزان آلفای کرونباخ، حدود ۳۶۰ پرسشنامه میان افراد جامعه مورد نظر توزیع گردید.

جدول ۱: ضریب آلفای گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها

توجه به خودآرایی	توجه به سبک پوشش	گرایش به انجام جراحی زیبایی	توجه به سلامتی	توجه به رژیم غذایی	گرایش به ورزش	اصول و ارزش‌های اخلاق علمی	موفقیت علمی	علاقه مندی و لذت بردن از محیط علمی	تعاملات و ارتباطات در حوزه علم	گویه‌ها
۰/۸۵۹	۰/۹۱۳	-	۰/۷۹۶	۰/۸۴۶	-	۰/۹۳۷	۰/۷۷۷	۰/۸۷۵	۰/۷۸۶	ضریب آلفای کرونباخ
۶	۶	۱	۱۲	۴	۱	۲۴	۱۰	۶	۹	تعداد گویه‌ها

یافته‌های پژوهشی

الف) یافته‌های توصیفی

پس از ورود و تجزیه و تحلیل داده‌های خام نتایجی به دست آمد که به طور خلاصه در این قسمت مرور می‌شود.

بیشتر پاسخگویان در رشته علوم انسانی تحصیل می‌کردند و ۳۷/۶ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دادند. بعد از علوم انسانی، گروه آموزشی فنی و مهندسی (۲۴/۳ درصد) و در مرتبه سوم، گروه آموزشی علوم پزشکی (۱۹/۳ درصد) و در نهایت، گروه آموزشی علوم پایه (۱۸/۸ درصد) قرار داشتند. از این میان، ۶۳/۵ درصد از پاسخگویان را مرد و ۳۶/۵ درصد را زن تشکیل می‌دادند. این نتیجه نشانگر این است که بیشتر دانشجویان تحصیلات تکمیلی را مردان تشکیل داده‌اند. بیشتر دانشجویان پاسخگو (۷۲/۴ درصد) مجرد بودند و ۲۷/۶ درصد را متأهلان تشکیل می‌دادند.

۶۸/۲ درصد از دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد و ۳۱/۸ درصد از دانشجویان در مقطع دکتری تحصیل می‌کردند. ۳۹/۵ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه دارای درآمد خیلی کم، ۴۴/۵ درصد درآمد کم، ۵ درصد درآمد متوسط ۸ درصد درآمد زیاد ۳ درصد درآمد در حد خیلی زیاد بودند. بنابراین درآمد بیشتر پاسخگویان در حد کم قرار داشت.

با توجه به سطح متغیرها، هر فرضیه با آزمون آماری ویژه ای سنجیده شده است. نتیجه آزمون فرضیه ها به قرار زیر است:

- **جامعه پذیری علمی بر سبک پوشش اثر معناداری دارد.** بر خلاف آن چه در گذشته عرف بود، افرادی که به معنای امروزی جامعه پذیری بالاتری داشتند معمولاً به وضعیت ظاهری خود بخصوص سبک پوشش خود توجه اندکی داشتند، اما امروزه بنابر مشاهدات و به استناد همین پژوهش، شواهدی دال بر تغییر این رویه را می توان نظاره گر بود؛ چنان که دانشجویان با وجود جامعه پذیری بالاتر معمولاً به سبک پوشش خود توجه بیشتری دارند.
- **جامعه پذیری علمی بر توجه به رژیم غذایی اثر معناداری دارد.** افرادی که جامعه پذیری آنها در سطح بالاتری قرار دارد، به ارزش توجه به رژیم غذایی پی برده اند و برای آن توجه ویژه تری قایل اند.
- **جامعه پذیری علمی بر توجه به سلامتی اثر معناداری دارد.** دانشجویانی که روح علمی را در خود پرورانده اند، به درک این نکته نیز رسیده اند که روح سالم در بدن سالم است. بنابراین برای سلامتی خود ارزش بیشتری قایل هستند.
- **جامعه پذیری علمی بر خودآرایی اثر معناداری دارد.** رسیدگی به امور ظاهری و بخصوص اهمیت دادن به خودآرایی سر و صورت در دانشجویانی که جامعه پذیری بالاتری دارند بیشتر است.
- **جامعه پذیری علمی بر انجام جراحی زیبایی اثر منفی معناداری دارد.** برطبق یافته های مرتبط با این فرضیه، همبستگی منفی آنها تایید شد. بنابراین افرادی که جامعه پذیری بالاتری دارند، کمتر به انجام عمل جراحی زیبایی گرایش نشان می دهند.
- **جامعه پذیری علمی بر گرایش به ورزش اثر معناداری دارد.** این فرضیه رد شد؛ به این معنا که افرادی که جامعه پذیری علمی بالاتری دارند، کمتر به انجام ورزش گرایش دارند.

فرضیه اصلی اینکه جامعه پذیری علمی بر مدیریت بدن اثر معناداری دارد. با آزمون مولفه های مربوط به هریک از این دو متغیر به طور جداگانه و برقراری رابطه بین آنها نتیجه پژوهش نشان دهنده وجود رابطه بین جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن دانشجویان بود.

همانطور که در بخش های قبلی شرح داده شد، در این پژوهش ۷ فرضیه با استفاده از آزمون های آماری در نرم افزار SPSS سنجیده شدند که در جدول زیر به طور خلاصه فرضیه ها، نوع آزمون، سطح معناداری و نتیجه آزمون که به صورت قبولی یا ردی نشان داده شده، نمایان است.

جدول ۲: آزمون فرضیه ها

ردیف	فرضیه	نوع آزمون	سطح معناداری	قبولی یا ردی
۱	جامعه پذیری علمی بر انجام جراحی زیبایی اثر منفی معناداری وجود دارد	آزمون اسپیرمن	۰/۰۰۰	تایید
۲	جامعه پذیری علمی بر توجه به سبک پوشش اثر معنادار دارد	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	تایید
۳	جامعه پذیری علمی بر توجه به رژیم غذایی اثر معناداری دارد	آزمون پیرسون	۰/۰۰۵	تایید
۴	جامعه پذیری علمی بر توجه به سلامتی اثر معنادار دارد	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	تایید
۵	جامعه پذیری علمی بر توجه به خودآرایی اثر معناداری دارد	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	تایید
۶	جامعه پذیری علمی بر گرایش به ورزش اثر معناداری دارد	آزمون اسپیرمن	۰/۷۰۲	رد
۷	جامعه پذیری علمی بر مدیریت بدن اثر معنادار دارد	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	تایید

در این بخش، پس از آزمون فرضیه ها، از تحلیل رگرسیونی به منظور مشخص کردن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بدون لحاظ کردن تقدم و تأخر در بین آنها استفاده شد. متغیر مستقل جامعه پذیری علمی و متغیر وابسته مدیریت بدن می باشد که هر یک از این دو متغیر با شاخص هایی سنجیده شده اند.

جدول ۳: جدول مشخص کننده های کلی تحلیل رگرسیونی تاثیر تعاملات و ارتباطات درحوزه علم، علاقمندی و لذت بردن از محیط علمی، موفقیت علمی و رعایت اصول و ارزش های اخلاق علمی بر جامعه پذیری علمی

سطح معناداری	F	تعدیل شده R2	R2	ضریب همبستگی	شاخص آماری مدل
۰/۰۰۰	۱۸۳/۹۸۹	۰/۳۷۳	۰/۳۷۵	۰/۶۱۳	موفقیت علمی
۰/۰۰۰	۷۹/۸۳۴	۰/۲۰۴	۰/۲۰۷	۰/۴۵۵	لذت بردن از محیط علمی
۰/۰۰۰	۱۳۶/۶۵۸	۰/۲۷۶	۰/۲۷۸	۰/۵۲۷	رعایت اصول و ارزش های اخلاق علمی
۰/۰۰۰	۷۹/۶۰۶	۰/۱۷۹	۰/۱۸۲	۰/۴۲۶	تعاملات و ارتباطات درحوزه علم

جدول ۴: جدول ضریب رگرسیونی تعاملات و ارتباطات درحوزه علم، علاقمندی و لذت بردن از محیط علمی، موفقیت علمی و رعایت اصول و ارزش های اخلاق علمی بر جامعه پذیری علمی

بتای استاندارد	سطح معناداری	T	خطای استاندارد	ضریب رگرسیون	شاخص آماری مدل
-	۰/۰۰۰	۱۸/۰۲۴	۴/۹۵۰	۸۹/۲۱۹	ضریب ثابت
۰/۶۱۳	۰/۰۰۰	۱۳/۵۶۴	۰/۱۸۲	۲/۴۷۲	موفقیت علمی
-	۰/۰۰۰	۹/۴۱۱	۱/۴۶۳	۱۳/۷۷۱	ضریب ثابت
۰/۴۵۵	۰/۰۰۰	۸/۹۳۵	۰/۰۶۵	۰/۵۸۴	لذت بردن از محیط علمی
-	۰/۰۰۰	۵/۱۲۳	۱/۳۰۲	۶/۶۷۰	ضریب ثابت
۰/۵۲۷	۰/۰۰۰	۱۱/۷۷۵	۰/۰۱۴	۰/۱۶۹	رعایت اصول و ارزش های اخلاق علمی
-	۰/۰۰۰	۳۳/۰۴۰	۲/۱۶۴	۷۱/۴۸۴	ضریب ثابت
۰/۴۲۶	۰/۰۰۰	۸/۹۲۲	۰/۱۳۱	۱/۱۶۶	تعاملات و ارتباطات درحوزه علم

جدول ۵: جدول مشخص کننده های کلی تحلیل رگرسیونی تاثیر توجه خودآرایی، گرایش به ورزش، توجه به رژیم غذایی، گرایش به جراحی زیبایی، توجه به سلامت و توجه به نوع پوشش بر مدیریت بدن

سطح معناداری	F	تعدیل شده R2	R2	ضریب همبستگی	شاخص آماری مدل
۰/۰۰۰	۶۸۲/۹۳۸	۰/۶۵۴	۰/۶۵۵	۰/۸۰۹	توجه به سبک پوشش
۰/۰۰۰	۳۹۸/۷۳۳	۰/۵۲۴	۰/۵۲۶	۰/۷۲۵	توجه به خودآرایی
۰/۰۰۰	۸۵/۴۳۷	۰/۱۹۰	۰/۱۹۲	۰/۴۳۸	توجه به سلامتی
۰/۰۰۰	۳۸/۳۶۴	۰/۹۴۰	۰/۹۶۰	۳۱۰	توجه به رژیم غذایی

جدول ۶: جدول ضریب رگرسیونی تعاملات و ارتباطات درحوزه علم، علاقمندی و لذت بردن از محیط علمی، موفقیت علمی و رعایت اصول و ارزش های اخلاق علمی بر جامعه پذیری علمی

بتای استاندارد	سطح معناداری	T	خطای استاندارد	ضریب رگرسیون	شاخص آماری مدل
-	۰/۰۰۰	۲۳/۷۱۹	۱/۴۸۵	۲۰/۳۶۶	ضریب ثابت
۰/۸۰۹	۰/۰۰۰	۲۶/۱۳۳	۰/۰۹۵	۲/۴۸۰	توجه به سبک پوشش
-	۰/۰۰۰	۱۳/۵۰۵	۰/۴۶۶	۶/۲۹۰	ضریب ثابت
۰/۷۲۵	۰/۰۰۰	۱۹/۹۶۸	۰/۰۴۲	۰/۸۴۰	توجه به خودآرایی
-	۰/۰۰۰	۹/۴۸۲	۰/۵۷۶	۵/۴۵۸	ضریب ثابت
۰/۴۳۸	۰/۰۰۰	۹/۲۴۳	۰/۰۱۳	۰/۲۸۴	توجه به سلامتی
-	۰/۰۰۰	۱۵/۱۹۸	۰/۸۵۳	۱۲/۹۶۵	ضریب ثابت
۰/۳۱۰	۰/۰۰۰	۶/۱۹۴	۰/۰۸۷	۰/۵۳۶	توجه به رژیم غذایی

روش تحلیل مسیر، تعمیمی از رگرسیون معمولی است که علاوه بر بیان آثار مستقیم، آثار غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرهای مستقل را برای متغیرهای وابسته نشان می دهد و با بیان منطقی، روابط و همبستگی مشاهده شده بین آن ها را تفسیر می کند. با وارد کردن عوامل زمینه ای و متغیر مستقل جامعه پذیری علمی - با شاخص های تعاملات و ارتباطات درحوزه علم، علاقمندی و لذت بردن از محیط علمی، موفقیت علمی و اصول و ارزش های اخلاق علمی - و سنجش تأثیر آنها بر متغیرهای مدیریت بدن - توجه خودآرایی،

گرایش به ورزش، توجه به رژیم غذایی، گرایش به جراحی زیبایی، توجه به سلامت و توجه به نوع پوشش - در معادله رگرسیون، مدل نهایی تحلیل مسیر بعد از انجام مراحل آن، به صورت زیر بدست آمده که درصد اثر مستقیم و غیر مستقیم هر یک از عوامل نیز در آن مشخص شده است. به طور کلی، این مدل بیانگر این است که متغیر جامعه پذیری علمی به میزان ۳/۳۹ درصد توانایی پیش بینی متغیر وابسته مدیریت بدن را داراست.



بحث و نتیجه گیری

فرآیند جامعه پذیری علمی در این پژوهش مبتنی به آموخته ها و اندوخته های دانشگاه بوده است که بخش اعظم آن از طریق ارتباطات و تعاملات فرد و نهاد دانشگاه حاصل می شود. فرض بر این است که این فرآیند به درک عمیق مهم ترین کمال مطلوب های اخلاقی بیانجامد که از فردی ترین تا اجتماعی ترین جنبه انسانی را در برگیرد. از جمله بعد فردی آن را می توان در توجه و نحوه مدیریت فرد از بدن خود مورد ارزیابی قرار داد. این در حالی است که در جوامع مدرن، نگاه به بدن و جسم انسان دگرگون شده است و بدنی که همواره و در همه دورانها مورد نظارت و کنترل بوده، کانونی برای قدرت شده و به ابزاری تبدیل گردیده که فرد توسط آن هویت خویش را مطرح و نمایان می سازد. بدن، نحوه لباس پوشیدن و خودآرایی و ژستها همگی نشان دهنده هویت افراد تلقی می شود. همانطور که «ترنر»، نه تنها بدن را مجموعه ای از اعمال اجتماعی می داند، بلکه آن را به عنوان نظامی از نشانه های مفهوم پردازی شده برمی شمارد که حامل معانی و نمادهای اجتماعی است.

افرادی که وارد محیط دانشگاه می شوند، از بدو ورود تا انتهای دوره دانشجویی در معرض ارزش ها و هنجارهایی هستند که بخشی از آنها آگاهانه یا ناآگاهانه درونی می شود و حتی فرد به ترویج آن نیز می پردازد. دانشجو با قرار گرفتن در این محیط و از طریق ارتباطات و تعاملات با دیگر دانشجویان، اساتید

و نهادهای موجود در دانشگاه، تغییراتی در وضع ظاهری، رژیم غذایی و توجه به ورزش ایجاد می کند. طبق این پژوهش صورت گرفته بر روی دانشجویان دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، جامعه پذیری علمی که در دانشگاه روی می دهد، بر نحوه مدیریت بدن دانشجویان اثر مستقیمی دارد. برای بررسی دقیق تر ابعاد جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن و تاثیر عوامل به طور جداگانه فرضیات مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفتند.

بر اساس نظریه ویدمن که فرآیند جامعه پذیری علمی را فرآیندی پویا می داند، جامعه پذیری علمی به عنوان متغیر مستقل و حاصل جمع شاخص هایی مثل تعاملات و ارتباطات در حوزه علم، علاقمندی و لذت بردن از محیط علمی، موفقیت علمی و اصول و ارزش های اخلاق علمی (۱۲ اصل رزنیک) در نظر گرفته شد و با تک تک شاخص های سنجش مدیریت بدن آزموده شد. فرضیه پژوهشگر در آزمون های سنجش رابطه جامعه پذیری علمی با عدم گرایش به جراحی زیبایی، توجه خودآرایی، توجه به رژیم غذایی، گرایش به جراحی زیبایی، توجه به سلامت و توجه به نوع پوشش تایید شد و در مجموع می توان گفت مورد رابطه جامعه پذیری با گرایش به ورزش رد گردید. که بین جامعه پذیری علمی و مدیریت بدن رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی، با آزمون مولفه های مربوط به هر یک از این دو متغیر به طور جداگانه و برقراری رابطه بین آنها، نتیجه پژوهش نشان دهنده وجود تاثیر جامعه پذیری علمی بر مدیریت بدن دانشجویان بود. البته باید توجه داشت که امروزه، در توجه به بدن از سوی افراد علمی و دانشگاهی تغییراتی زیادی روی داده است و برخلاف گذشته که چنین افرادی معمولاً به بعدی فردی از جمله مدیریت بدن خود توجه چندانی نداشتند، اینک نگاه به بدن تغییر یافته است؛ به طوری که افراد بدن خود را به نحو مطلوب تری نسبت به گذشته مدیریت می کنند. به تعبیر بوردیو، با در نظر گرفتن بدن به عنوان یک سرمایه فیزیکی، هویت های افراد با ارزش های اجتماعی منطبق با اندازه، شکل و ظاهر بدنی مرتبط شده و با هرچه مدرن تر شدن جوامع، روز به روز بر توجه به مدیریت بدن افزوده می گردد.

منابع

- اباذری، یوسف و نفیسه حمیدی (۱۳۸۷) "جامعه شناسی بدن و پاره‌ای مناقشات". پژوهش زنان. دوره ۶، ش ۴.
- احمدنیا، شیرین (۱۳۸۵) "جامعه شناسی بدن و بدن زنان". فصلنامه زنان. ش ۵.
- اسمارت، بری (۱۳۸۶) میشل فوکو. لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان. تهران: اختران
- توسلی، افسانه و حبیبی، الهام (۱۳۸۹) "بررسی تاثیر فشارهای هنجاری بر مدیریت بدن زنان". فصلنامه جامعه شناسی معاصر دانشگاه علوم و تحقیقات. سال سوم، شماره اول.
- چاوشیان، حسن (۱۳۸۱) "بدن به مثابه رسانه هویت". مجله جامعه‌شناسی ایران. ش ۴.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: علمی
- دواس، دی.ای (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ ناییبی. تهران: نشرنی. چاپ اول
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) روشهای پژوهش در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. جلد اول
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷) روشهای پژوهش در علوم اجتماعی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. جلد دوم
- شهابی محمود (۱۳۸۹) صنعت - فرهنگ ظاهرآرایی و زیباسازی بدن در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی. قم: صبح صادق
- قانع راد، محمدمین و ابراهیم آبادی حسین (۱۳۸۹) "تاثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان". فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. سال دوم، شماره ۴.
- قانع راد، محمد امین و قاضی پور (۱۳۸۱) "عوامل هنجاری و سازمانی موثر بر میزان بهره وری اعضای هیئت علمی". فصلنامه پژوهش فرهنگی. شماره ۴.
- قانع راد، محمدمین (۱۳۸۱) "شیوه جدید تولید دانش". مجله جامعه شناسی ایران. دوره چهارم، شماره ۳.
- قانع راد، محمدمین و مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۳) "پیمایش فهم عمومی از علم و فناوری: مطالعه موردی شهروندان تهرانی". فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست علم و فن آوری. سال سوم، شماره ۳.
- قانع راد، محمدمین (۱۳۸۳) ناهمزمانی دانش - روابط علم و نظام های اجتماعی اقتصادی در ایران. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

- گیبینز، جان آر و بو ریمر (۱۳۸۱) سیاست پست مدرنیته. منصور انصاری. تهران: گام نو
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ناصر موفقیان. تهران: نشر نی
- لطف آبادی، حسین (۱۳۷۸) روانشناسی رشد ۲ نوجوانی، جوانی، بزرگسالی. تهران: سمت
- محسنی تبریزی علیرضا و همکاران (۱۳۸۹) "تاثیر مسایل و چالشهای محیط علمی بر جامعه پذیری دانشگاهی" فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش علمی. ش ۵۵.
- ودادهیر، ابوعلی و همکاران (۱۳۸۷) "تأملی بر جامعه شناسی اخلاق در علم، فناوری مرتن و رزنیک". فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. سال سوم، شماره های ۳ و ۴.
- Elliot, Anthony (2010) "Social Theory" Published By ROUYLEDGE. USA.
- Featherstone, M. (1991) "Consumer Culture and Postmodernism". London Journal of Sociology, vol 85, No 9
- Karen I, & Jarry, J.L. (2008) "Investment in body image for self-definition results in greater vulnerability to the thin media than does investment in appearance management". Body Image. 5. 59-69
- Shilling, Chris (1993) "Body and Social Theory" London, Sage Publication
- Shilling, Chris. (2007) **The Body in Culture, Technology & Society**. London, Newbury Park and New Delhi. Sage Press. Theory, Culture & Society.
- Turner, B. s. (1996) "The body and sociology (Exploration in social theory). stage population : London.
- Tylka, T.L. (2011) "Refinement of the tripartite influence model for men: Dual body image pathways to body change behaviors". Body Image, 8, 199-207
- Sisse, Priscilla, and Maria Heckert, Druann (2003) "The stigmatization of women of size". GPS (The Great Plains Sociologist). Official Journal of the Great Plains Sociological Association USA.
- The Economist (2003) **Pots of promise: The beauty business**.
- Weidman and Elizabeth L. Stein (2003), "Socialization of doctoral student to academic norms". Research in Higher Education, Vol. 44, No.
- Weidman, J. C (2008) **Socialization in Higher Education**. University of Pittsburgh, USA, Chian National University, Taiwan, 20.
- Weidman, J. C., D. J. Twale and E. I. Stein (2001); "Socialization of Graduate and Professional Students in Higher Education-A Perilous Passage". ASHE-ERIC Higher Education Report. No. 28(3), Washington, DC: The George Washington University, School of Education and Human Development

Scientific Socialization and Body Management in University

(Case Study: MA and Ph.D. Students of University of Tehran)

Mohammad Amin Ghaneirad

Ph.D., Associate Professor, National Research Institute for Science Policy

Azar Rashtiani

Ph.D. student, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

Received: 30 Nov. 2014

Accepted: 20 Jun. 2015

People show different interactions affected by the type of internalized socialization and type of their socialization affects on the lifestyle and different aspects of life. The most fundamental aspect of life style is body management. After the students were in the process of socialization, they make changes in terms of this aspect of their life consciously or unconsciously.

The method of the research was descriptive and was done by a survey. Theoretically, the present study focused on scientific socialization and body management, and then theoretical model of the research was designed. Indicators to be surveyed for measure of scientific socialization are: Interactions and communications in areas of science, scientific interest and enjoyment of the environment, scientific success and scientific ethical values and principle. To measure body management, indicators like: tend to exercise, attention to the diet, doing cosmetic surgery, attention to health, coverage style and the self-assembly are applied. The current study is done among students of Tehran University, Statistical universe and samples are all ph. D. and MA. Students in four educational groups of humanities, basic sciences, technical and engineering and medical sciences, of which 256 individuals were chosen as sample by Cochran sampling. To gather the data, questionnaires were distributed among participants. When questionnaires were filled, statistical coefficients which are relevant to the variables, (pierson correlation coefficient tests and multivariate stepwise regression analysis) were analyzed by using Spss 17 software.

The final results according to the results of hypothesis revealed that there is a significant and direct relationship between scientific socialization and body management.

Key words: Scientific Socialization, Body Management and Student